

سخن استوار گفتن و با پیشینه‌ای از اندیشه‌ای دقیق کلام بر زبان جاری کردن، بخشی از پیام آیت الهی است؛ بدان‌گونه که مفسران ارجمند قرآن کریم آورده‌اند: در این‌گونه موارد «فرمان به قول سدید»، کنایه از هر نوع کاری است و به سخن گفتن از آن روی که بارزترین و روشن‌ترین و پرمودترین فعل انسان است، تکیه شده است.^۶

بدین سان پیام این آیات و همگنان آنها، استواری و دوری از باری به هر جهت‌گری است تا مؤمنان بدانند که باید استوار بیندیشند، از سر دقت و تأمل سخن بگویند، با هوشمندی و آگاهی و صلابت قلم بر کاغذ نهند و در پی نهادن «کاخی از نظم و نثر» و برکشیدن معارف حق و گستراندن آموزه‌های سپیده‌گشا و زندگی‌ساز، کاری کارستان کنند. بنگریم که در آیتی دیگر، خداوند سبحان آن‌گاه که از سنت «ابتلاء» بر گستره زمین سخن می‌گوید، می‌فرماید:

... لیلوکم ایکم أحسن عملاً...

صادق آل محمد ﷺ نیز فرمودند:

... مقصود، عمل «بیشتر» نیست بلکه عمل «بهتر» و درست‌تر است.^۷

آموزه‌های قرآن کریم و معارف اهل بیت (علیهم‌السلام) درباره عمل، استواری عمل، اخلاص در عمل، پایداری عمل، زاینده‌گی و بالندگی و پویایی و اثرگذاری عمل، حقاً حیرت‌آور است. اگر مؤمنان و آنان که دل در گرو حق دارند و آموزه‌های دینی، چراغ راه و معیار بینش‌ها و کنش‌ها، پندار، گفتار و کردار آنان است، به این همه حقایق، از سر تأمل بنگرند، بی‌گمان رفتارها دگر خواهد شد و مواضع دگر.

تنها نگاهی گذرا به میراث علوی و آموزه‌های شورانگیز و حیات‌بخش و لوی بسنده است که باری به هر جهت‌کاری، «جوفروشی» و «گندم‌نمایی»، «میان‌بردن‌ها»، «کار دیگران را به نام خویش جای‌زدن‌ها» و روزهایی کوتاه با فرایند آن سرخوش بودن‌ها را به یکسو نهیم و «حق‌نمایی کنیم». بکوشیم و بیوییم، به اینجا و آنجا سر برزیم و در آنچه پیشینیان برای ما گذاشته‌اند غور کنیم. در دیروز افتخار آفرین خود به ژرفی بنگریم و با دستمایه‌های بلند و والا، امروزمان را بسازیم و برای فردایی سراسر زیبایی و حقیقت‌نمایی و برای افزودن بر کاخ بلند میراث مکتوب تلاش کنیم.

مولایمان فرمود:

شَتَّانَ بَيْنَ عَمَلَيْنِ، عمل تذهب لذته وتبقى تبعثه وعمله
تذهب مؤنثه وبقى أجره^۸

پیام بلند و زیبایی است. کم نیستند کسانی که به کار سست که بر تلاشی اندک استوار است و جلوه‌ای فریبنده دارد، بسنده می‌کنند و لذت زودگذر آن را که با اقبالی کوتاه و رویکردی گذرا رویارو است،

۶. برای نمونه رک به: تفسیر الراغب الاصفهانی؛ ج ۲، ص ۱۱۱۷ و تسنیم؛ ج ۱۷، ص ۴۴۷.

۷. کافی؛ ج ۲، ص ۱۶.

۸. نهج البلاغه، ح ۱۲۰.

سورة الف

لَا سُنَّةَ أَفْضَلُ مِنَ التَّحْقِيقِ^۱

متکلم را تا کسی عیب نگیرد، سخنش اصلاح نپذیرد^۲

آموزه‌های اسلامی، مؤمنان را یکسر به استوار اندیشیدن، استوار گفتن، و استوار عمل کردن فراخوانده است. از نگاه آموزه‌های دینی، هرزاندیشی، باری به هر جهت‌گویی و ناستوارکاری، یکسر خطا است و در بسیاری از تعالیم دینی نکوهیده شده است.

خداوند سبحان در قرآن کریم فرموده است:

فَلْيَنْظُرِ الْإِنْسَانُ إِلَى طَعَامِهِ^۳

از حضرت باقر (علیه‌السلام) در تفسیر این آیه آمده است:

علمه الذی يأخذ عَمَّنْ يأخذه

[بپاید] دانشی را که فرا می‌گیرد از چه کسی فرا می‌گیرد.^۴

دانشی که او را راهبری خواهد کرد و بر پایه آن زندگی را بنیاد خواهد نهاد، از کدامین سرچشمه است؟ آن خاستگاهی که سازماندهی آن را دارد که مؤمن حیات انسانی و الهی‌اش را بدان بنیاد نهد کدام است؟ در آیه دیگری خداوند سبحان فرموده است:

يا ايها الذين آمنوا اتقوا الله وقولوا قولا سديداً

در آیتی دیگر فرموده‌اند:

... فليتقوا الله وليقولوا قولا سديداً^۵

۱. غرر الحکم؛ ج ۶، ص ۳۸۱.

۲. گلستان سعدی، باب هشتم.

۳. عیسی، آیه ۲۴.

۴. تفسیر برهان، ج ۵، ص ۵۸۵.

۵. نساء، آیه ۹.

نمی‌پایید؛ اما سپاس خدای را، مجله پایید و به توفیق خداوند و در سایه عنایت اولیاء الهی و با همدلی و همکاری و همراهی اصحاب قلم که بزرگ‌ترین پشتوانهٔ بنیان مجله بودند، پیش خواهد رفت.

بارها گفته‌ایم و باز هم می‌گوییم که در صفحات آینه پژوهش آنچه «اصل» است، دانش، پژوهش و یاری‌رسانی به فضای «تحقیق» است. در آینه پژوهش همواره تلاش کردیم تا نقد را در جایگاه اصلی و حقیقی آن بنشانیم و هرگز و هرگز جز این انجام ندهیم. در صفحات مجله اگر از عالمی، محقق و متفکری، چون زندگی را بدرود می‌گوید، یاد می‌شود، تنها و تنها با توجه به جایگاه والای پژوهشی، علمی و اندیشگی اوست و صد البته با توجه به اینکه مسلمانیم و در جامعه اسلامی زندگی می‌کنیم، به باورها و اندیشه‌های دینی، آرمان‌های انقلاب و اندیشه‌های امام خمینی علیه السلام پای می‌فشاریم.

آینه پژوهش بارهای بار از سوی فرهیختگان، عالمان، محققان و برگزارکنندگان «جشنواره‌ها» و «همایش‌ها» نواخته شده است. مقالات آن در جایگاه بلند «امتیاز» و «تقدیر» و «شایستگی» نشسته است و این همه مرهون و مدیون توفیق الهی و همراهی چهره‌های والای «قبیله قلم» است. می‌گویم و بر این گفته، خداوند آگاه از عیان و نهان را شاهد می‌گیرم که بنیان مجله تمام توفیق‌ها، پیش‌رفتن‌ها و برقله‌های افتخار ایستادن‌ها را مدیون فرهیختگان تیزبین، هوشمند و ایثارگر قلم‌زن می‌دانند که بدون توجه به چه و چه‌ها و مثلاً انتظار بردن «ارتقا»ها، در صفحات آینه پژوهش قلم زدند تا در این وادی‌گاه تاریخ فروغی بیشتر هلند و گامی فرا پیش نهند. عزیزانی که در مجله قلم زدند، در فرہبسازی محتوای آن کوشیده و از سر بزرگوارانی بنیان مجله را «به حسن و خلق وفا» ستوده‌اند و در میان «حُسن فروشان» آنان را یاری تلقی کرده‌اند که در «حسن و ملاحظت»، کس به آن نرسد. این همه از آنان است و نه ما.

«آینه پژوهش» اکنون در آستانه بیست‌و دو سالگی با جامه‌ای زیباتر، چینشی دلپذیرتر، پردازشی استوارتر و ملاحظت‌دارتر، «شاهد بازار» می‌شود و چونان گذشته امیدوار است، از یاری‌های بی‌دریغ، راهنمایی‌های از سر اخلاص، نقد و انتقاد‌های هوشمندانه، درنگریستن‌ها و تأمل‌های فاضلانه و عالمانه، حضور علمی، پژوهشی و نکته‌سنجانه تمام فاضلان، عالمان، استادان، منتقدان و بالآخره چهره‌های والای «قبیله قلم» برخوردار باشد و ره چنان رود که پاکان، پیراسته‌جانان و شیفتگان وادی دانش و پژوهش و بینش رفته‌اند، چنین باد و جز این مباد.

والله من وراء القصد

سردبیر

می‌چشند و سرخوش می‌شوند و چون «آب از آسیاب افتاد»، پرده‌ها کنار رفت و حقیقت نمایان شد، بدنامی و آثار ناهنجارِ یادشده بر آن است که باقی می‌ماند. از سوی دیگر نیز کم نیستند کسانی که «دامن همت بر کمر ارادت می‌زنند»، روزان و شبان می‌کوشند، رنج سفر و حضر بر خود هموار می‌کنند و کاری می‌کنند کارستان. این همه تلاش، همراه رنج و خستگی و سختکوشی می‌گذرد و آنچه پایدار است و جاویدان، نام نیک اثر است.^۹

این کلام بیدارگر و هشداردهنده مولا را نیز بیاوریم:

خذو من کل علم احسنه فان النحل يأكل من کل زهر أزينه
فيتولد منه جوهران نفيسان أحدهما فيه شفاء للناس والاخر
يستضاء به

از هر دانشی نیکوتر آن را فراگیرید؛ چونان زنبور عسل که از شکوفه‌ها زیباترین بهره را می‌گیرد و از آنها دو گوهر ارجمند فراهم می‌آید: ۱. عسل که مردمان را شفاست؛ ۲. [موم] که از آن روشنی جسته می‌شود.^{۱۰}

بدین سان سزایماند چنان است که اهل قلم و ارباب پژوهش، در گردآوری مواد پژوهش یکسر بکوشند و از اینجا و آنجا ابزار و مواد را فراهم آورند و آن‌گاه با تجزیه و تحلیل و پیرایش و آرایش آن، به تولید علم بپردازند. باید چونان زنبور عسل، با تأمل، درنگریستن و جستجوکردن در شیره جان درختان، گل‌ها و گلبرگ‌ها، شاهد شیرین عسل بیافرینند و در اختیار دیگران نهند؛^{۱۱} نه آنکه -خدای ناکرده - مگس‌وار بر سر سفرهٔ پژوهش‌های دیگران بنشینند و با انتحال و سرقت و آلوده‌سازی فضای تحقیق، اثری «پژوهش‌نما» رقم زنند. به گفته زیبای مولوی:

چون مگس، حاضر شود در هر طعام

با وقاحت بی‌صدا و بی‌سلام^{۱۲}

آینه پژوهش بیست‌ویک سال پیش با توجه به آنچه آمد و با درک ضرورت بهسازی ساحت پژوهش و نشر، در گستره میدان مطبوعات چهره نمود و اکنون از پس دو دهه -سپاس خدای را- توانسته است در حوزه نشر و فضای نقد و انتقاد، جایگاهی بلند بیابد. بنیان «آینه پژوهش» بر این باور بوده‌اند و هستند که نقد و انتقاد و بازنگری میراث مکتوب، ضروری است و با درک این ضرورت گام پیش نهادند و آغازین سال‌ها را به دشواری گذراندند. بسیاری از بزرگان بر این باور بودند که ره سپردن در این وادی نارفته بسی دشوار است. در مجالی دیگر از نادره‌کاری بزرگ یاد کرده‌ام که با نواختن اصحاب مجله و تأکید بر ضرورت انتشار آن، بر این باور بود که «آینه پژوهش» حتی یک دهه

۹. رک به: شیخ محمدجواد مغنیه؛ فی ظلال نهج البلاغه؛ ج ۶، ص ۱۷۷.

۱۰. غر الحکم؛ ج ۳، ص ۴۵۹.

۱۱. فرانسیس بیکن (۱۶۲۶م) باتوجه به چگونگی کار زنبور عسل، تمثیلی خواندنی دارد. حضرت استاد احد فرامرزی قراملکی با اندکی افزونی، از آن برای نشان دادن اهمیت اطلاعات و پردازش مواد و مواردی از این دست، در مسیر پژوهش بهرهٔ نیکو برده است. رک به: احد فرامرزی قراملکی؛ روش‌شناسی مطالعات دینی؛ ص ۳۲۳۱.

۱۲. شرح جامع منثوی؛ کریم زمانی؛ ج ۲، ص ۱۹۲، بیت ۶۱۷.